

شروط ثبات قراردادها در حقوق آمریکا

محمدباقر فیجان^۱، محمدامین مرادی^۲

چکیده

شرط ثبات، تعهد ویژه ای است که بر اساس آن کشور خارجی نمی تواند مفاد قرارداد را با وضع قانون یا هر وسیله دیگری، بدون رضایت طرف دیگر، تغییر دهد و همچنین تدبیری است تضمینی و احتیاطی که در قراردادهای خصوصی درج می گردد و به موجب آن دولت ها ملزم می شوند تا از مداخله در تغییر یا فسخ قرارداد خودداری نمایند. شرط ثبات در قراردادهای سرمایه گذاری اصولاً به منظور مقابله و تقلیل ریسک سیاسی ابداع شده است. لازم به ذکر است که به تغییر سیاست های دولت سرمایه پذیر در اصطلاح ریسک سیاسی می گویند. لازم به ذکر است شروط ثبات در کلیه قراردادها نقش ویژه ای در جلوگیری دولت میزبان از تصویب قوانین مغایر با قرارداد و تغییر قانون حاکم در زمان انعقاد قرارداد دارد. شروط ثبات در قراردادهای سرمایه گذاری اصولاً به منظور مقابله و تقلیل ریسک سیاسی ابداع شده است. همچنین در قراردادهای درازمدت و بالاخص در بخش منابع طبیعی در قرارداد سرمایه گذاری درج می شود. سوال اصلی این پژوهش آن است که شروط ثبات قراردادها در حقوق آمریکا بر چه مبنایی استوار است؟ این پژوهش بر این فرض متکی است که در قوانین آمریکا اختیار دولت در خاتمه دادن به قراردادهای اداری امری مسلم است. این پژوهش به صورت کتابخانه ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: ثبات قرارداد، حقوق آمریکا، سرمایه گذاری، قوانین.

۱ - استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی نورآباد ممسنی mohammad_fiji@yahoo.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی نورآباد ممسنی (نویسنده مسئول)

mohammad.amin.moradi991@gmail.com

مقدمه

هدف اولیه طرفین قرارداد در زمان انعقاد آن، اجرای قرارداد با حسن نیت و اصول صداقت تمام است؛ اما ممکن است بنا به دلایلی یکی از طرفین یا هر دوی آنها در زمانی یا کاملاً از اجرای آن سرباز زنند. در چنین حالتی، علیرغم عدم انقضای موعد قراردادی، نقض قرارداد به خوبی قابل پیش بینی است. لذا در هر قراردادی، از جمله قراردادهای دولتی، هر یک از مواد و شروط از اهمیت خاصی برخوردار هستند. در نتیجه نمی‌توان ادعا کرد که کدامیک از مواد و شروط بر مواد و شروط دیگر تفوق دارند. در راستای اعمال سازوکارهای موجود در جهت حفظ و حمایت از سرمایه‌های خارجی در دولت‌های سرمایه پذیر می‌توان اعتقاد داشت که شرط ثبات از مؤلفه‌های اساسی حرکت به سوی ثبات قراردادی می‌باشد.

شرط ثبات در قراردادهای دولتی یکی از راه‌های تنظیم و تضمین منافع سرمایه‌گذاران خارجی است. علیرغم عدم مقبولیت این گونه شروط در میان دولت‌های جهان سوم و نیز دولت‌های در حال توسعه، محبوبیت و مقبولیت این شروط در کشورهای توسعه یافته منجر به این امر شده است که سرمایه‌گذاران خارجی، جذابیت دولت‌های سرمایه پذیر را بر اساس ثبات در نظام تقنینی و تنظیمی این دولت‌ها می‌دانند. با این حال تنها راه تضمین این ثبات پیش بینی شروطی در قراردادهای دولتی است که اصطلاحاً شرط ثبات نامیده می‌شوند. از دیدگاه تاریخی می‌توان گفت که پیدایش این امر به قرن بیستم باز می‌گردد. انگیزه در مذاکره برای چنین تضمینی به عنوان فرار از ترس رو به رشد سلب مالکیت توسط دولت‌های میزبان وجود داشته است. با توجه به غیرقانونی اعلام شدن منابع ملی که پس از آن آشکار شد، سرمایه‌گذاران در آن زمان در داشتن چنین شروطی در قرارداد با دولت‌های میزبان و گنجانیده شدن آن در موافقت‌نامه‌های خود اصرار داشتند. چنین نگرانی همراه با علاقه رو به رشد برای جذب سرمایه‌گذاری سبب تقاضای سرمایه‌گذاران برای این گونه شروط شد. به نظر نمی‌رسد که به طور بالقوه این امر سبب از صحنه خارج شدن قرارداد منعقد شده باشد. این شروط بر اساس نیازهای زمان هستند و بدیهی است که نیاز به داشتن چنین شرطی هنوز به عنوان یک مانع مهم در مواجهه با انجام امور فرعی نامحدود یک دولت مستقل در نظر گرفته شده و اعمال می‌شود و آن را در قالب افزایش مالیات و یا درخواست بیشتر از مزایا در صورت مخالفت واضح و روشن با شرایط توافق شده می‌توان در نظر گرفت (Naser, 1995, 58).

با این حال، لازم به ذکر است که ماهیت و اندازه هر یک از این خطرات می‌تواند بسته به اشخاص دولت دموکراتیک و با وضعیتی بسیار خاص، منحصر به فرد باشد. اگر چه هر نوع سرمایه‌گذاری به طور بالقوه ممکن است در برابر این گونه خطرات آسیب پذیر باشد، این شرط سبب خواهد شد تا پیشرفت و مدت زمان نسبتاً طولانی تری از سرمایه‌گذاری و به خصوص در بخش انرژی مورد توجه قرار گیرد.

۲- مفاهیم

۲-۱- قراردادهای دولتی

برای تعریف شرط ثبات در ابتدا می‌بایست با مفهوم قراردادهای دولتی آشنا بود. منظور از قراردادهای دولتی، قراردادهایی است که از سوی دولت‌ها (اعم از موسسات دولتی فاقد ماهیت حقوقی مجزا از دولت یا دارای شخصیت حقوقی مستقل) با اشخاص خصوصی خارجی (اعم از حقیقی یا حقوقی) منعقد می‌گردد. قراردادهایی که میان دو دولت از باب تجارت و تصدی و نه از باب حاکمیت منعقد می‌شود نیز مشمول عنوان کلی قراردادهای دولتی است (نیکبخت، ۱۳۸۴، ۲۰).

در یک نگاه کلی می‌توان قراردادهای دولت را به دو دسته تقسیم کرد: قراردادهای استخدای و قراردادهای معاملاتی. قراردادهای دسته اول داخل در حقوق عمومی داخلی می‌باشد اما قراردادهای نوع دوم انعطاف بیشتری دارند^۱. این دسته خود شامل دو دسته از قراردادهای تابع حقوق عمومی (یا قرارداد اداری) و قراردادهای تابع حقوق خصوصی است. قراردادهای عمومی ویژگی‌های خاصی دارند که نشان دهنده قدرت حاکمیت دولت است، در واقع در این نوع قراردادها دولت حق تغییر یک جانبه و حق فسخ را دارد اما در قراردادهای خصوصی، دولت موظف به رعایت ضوابط قراردادهای حقوق خصوصی است و در واقع در این میان، میان دولت و یک فرد خصوصی تفاوتی وجود ندارد. در خصوص معیار تفکیک این دو نوع از قراردادها چنین بیان شده است: «قراردادهای اداری به منظور اداره خدمات عمومی یا بهره‌برداری از منابع و معادن می‌باشد و قراردادهای خصوصی قراردادهای مربوط به توسعه و بهره‌برداری از منابع و ثروت‌های طبیعی به ویژه نفت و گاز یا قراردادهای خرید کالا یا خدمات یا استقراض از خارج است» (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۴، ۱۰۴).

ابهام اصلی در مورد قراردادهای طولانی مدت است، در مورد دسته اخیر نیز بیان ضابطه دقیق مشکل است اما معیاری که می‌توان ارائه داد این است که قراردادهای منعقد شده توسط شخصیت حقوقی دولت،

۱- پاره ای از نویسندگان قراردادهای دولتی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: قراردادهای تابع حقوق عمومی؛ قراردادهای منعقد شده در لباس بازرگانی مانند اخذ وام؛ قراردادهای منعقد شده به عنوان نماینده و حافظ منافع عمومی ولی صرفاً به عنوان یک شخصیت حقوقی انتفاعی. ببینید: موحد، محمدعلی، درس‌هایی از داورهای نفتی: قانون حاکم، تهران، کارنامه، ۱۳۸۶، ص ۵۴؛ این تقسیم بندی در تئوری دقیق بوده اما در عمل، تفکیک قراردادهای نوع اول و سوم مشکل و بلکه غیرممکن است و ضابطه دقیقی در این باره وجود ندارد و جنبه نظری و شخصی پیدا می‌کند. به همین دلیل در این نوشتار تقسیم قراردادهای معاملاتی دولت به عمومی و خصوصی در نظر گرفته شده است.

قراردادهای عمومی می باشد و در مورد مؤسسات دارای شخصیت حقوقی جدا از دولت نیز باید هدف قرارداد را مورد توجه قرار داد. اگر چه ذکر این مطلب ضروری می نماید که تعیین عمومی یا خصوصی بودن هر قرارداد در وهله اول متأثر از قانون حاکم بر قرارداد می باشد (نیکبخت، ۱۳۸۴، ۲۴). فایده اصلی این تقسیم بندی در مورد قانون حاکم و چگونگی حل اختلاف و اختیار دولت در تغییر یک جانبه قرارداد ظهور می کند. در مورد قراردادهای عمومی قانون حاکم، قانون دولت متبوع و حل اختلاف نیز بر عهده دادگاه های داخلی است. با این وجود امروزه ویژگی های هر یک از قراردادهای عمومی یا خصوصی دولت تعدیل شده است، برای مثال قراردادهای بهره برداری از معادن اگر چه داخل در دسته قراردادهای عمومی است اما شروط داوری در آن پذیرفته شده است. در هر حال قراردادهای عمومی در تمام زمینه ها اعم از اجتماعی، اقتصادی و تجاری وجود دارد و از نظام واحدی پیروی نمی کنند. نفوذ حقوق عمومی در برخی از این قراردادها کم و در برخی دیگر زیاد است (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۴، ۱۰۴).

۲-۲- شروط ثبات قرارداد

شرط ثبات یا تثبیت، تدبیری است تضمینی و احتیاطی که در قراردادهای خصوصی درج می گردد و به موجب آن دولت ها ملزم می شوند تا از مداخله در تغییر یا فسخ قرارداد خودداری نمایند. شرط ثبات در قراردادهای سرمایه گذاری اصولاً به منظور مقابله و تقلیل ریسک سیاسی ابداع شده است. لازم به ذکر است که به تغییر سیاست های دولت سرمایه پذیر در اصطلاح ریسک سیاسی می گویند. شرط ثبات معمولاً در قراردادهای درازمدت در بخش منابع طبیعی در قرارداد سرمایه گذاری درج می شود. شرط ثبات در قراردادهای سرمایه گذاری به این معنی است که طرف دولتی تعهد می کند تا قبل از پایان عمر قرارداد با تصویب قوانین و مقررات جدید تعهدات خویش را در قرارداد دستخوش تغییر قرار ندهد (پیران، ۱۳۸۶، ۳۸).

لذا شرط ثبات، تعهد ویژه ای است که بر اساس آن کشور خارجی نمی تواند مفاد قرارداد را با وضع قانون یا هر وسیله دیگری، بدون رضایت طرف دیگر، تغییر دهد. شروط ثبات در کلیه قراردادها نقش ویژه ای در جلوگیری دولت میزبان از تصویب قوانین مغایر با قرارداد و تغییر قانون حاکم در زمان انعقاد قرارداد دارد (رستگار و بابایی، ۱۳۹۶، ۸۱).

۳- مبانی نظری

۳-۱- نظریه تغییر اوضاع و احوال

این نظریه رومی که به قاعده «ریبوس سیک استانتی بوس» شهرت یافته (صادقی مقدم، ۱۳۷۹، ۲۲۵) و استثنایی بر اصل لزوم قراردادهای است، بیان می‌دارد که اگر اوضاع و احوال حاکم بر زمان عقد، آن گونه دستخوش تغییرات اساسی شود که نیل به هدف اصلی آن برای یک طرف یا هر دو ناممکن گردد، چنانچه تغییرات مزبور قابل پیش بینی نبوده و بدون قصور و خارج از کنترل مدعی باشد، او مسئولیتی در قبال تعهدات قراردادی ندارد (وستبرگ، ۱۵۸، ۱۳۷۱). حسب این که تغییر اوضاع و احوال، اجرای قرارداد را ناممکن و یا صرفاً دشوار سازد، وضعیت در حقوق کشورهای مختلف، متفاوت است (داکسبری، ۱۳۷۷، ۸۵). برخی در هر دو حالت، به نظریه تغییر اوضاع و احوال استناد می‌کنند. در حقوق ژاپن، اگر به سبب به هم خوردن جدی موازنه قراردادی، اجرای آن برای یک طرف بیهوده باشد یا متعهد را در مشقت قرار دهد، به دلیل مغایرت با حسن نیت، عدل و انصاف و با استناد به تغییر اوضاع و احوال، قرارداد در ابتدا تعدیل و اصلاح و در صورت عدم توافق طرفین، فسخ می‌گردد. همچنین مطابق ماده ۲۵۸ کتاب ۶ قانون مدنی هلند، تجدیدنظر در قرارداد، به دنبال تغییر اوضاع و احوال مجاز است (داکسبری، ۱۳۷۷، ۹۵).

۳-۲- عدم امکان اجرا

در نظام رومی ژرمنی مفهوم «قوه قاهره»، در کامن لا تعبیر «انتفای اجرای قرارداد و عدم امکان اجرای قرارداد و در فقه اسلامی، قاعده «تعذر وفا به عقد»، بیانگر وضعیت عدم امکان اجرای قرارداد هستند (جعفری و تلخایی، ۱۳۸۹، ۴۲).

۳-۳- انتفای اجرای قرارداد

دو نهاد «انتفای اجرای قرارداد» و «عدم امکان اجرا»، به لحاظ نظری، با قوه قاهره متفاوت بوده، قلمرو وسیع تری دارند. بر خلاف حقوق فرانسه، ایران و آلمان و نیز اصول حقوق قراردادی اروپا، در حقوق انگلستان، دو مفهوم متمایز «عدم امکان اجرا» و «دشواری اجرا»، ذیل قاعده «انتفاء» و «حفظ تعهدی خاص با نقض تعهدات دیگر» اجرا «اجرای قرارداد» بررسی می‌شوند؛ هر چند مصادیق دیگری همچون «جلوگیری نیز وجود دارد. اگر طرفین در قرارداد خود هدف خاصی را دنبال کنند که

بروز حادثه ای غیرمترقبه، آن را لغو و قرارداد را غیرممکن یا غیرقانونی سازد متعهد از انجام تعهد معاف می‌گردد و مسئولیتی ندارد.»

۴- کارکردهای شروط ثبات قرارداد

الف- تثبیت قانون قبول برابری قراردادی دولت با سرمایه‌گذار. دولت می‌تواند از اختیارات ویژه‌ی خود به منظور اصلاح یکجانبه قوانین احاطه‌کننده قرارداد استفاده کند. شرط ثبات به منظور جلوگیری از چنین اقدامات یکجانبه‌ای به کار گرفته می‌شود. دولت‌ها اغلب چنین تضمینی را به عنوان شکلی از ارتقاء سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرند.

ب- جلوگیری از اصلاح قانون با تأثیر مستقیم بر تعهدات قراردادی. غالباً شروط ثبات تلاش در جهت کاهش اختیار دولت در تغییر مفهوم قانون حاکم دارند. تکنیکی جهت محدود نمودن قلمرو کنترل قانون وجود دارد. مدل قراردادی تونسسی به این شرح است: پیمانکار بایستی شروط این قرارداد را تحت کنترل در آورد به همان میزانی که همه قوانین و دستورالعمل‌ها توسط اعطای قدرتی که ناسازگار و متعارض با کنوانسیون و یا این قرارداد نیست بر حسب وظیفه تصویب شده اند همچنین مورد توافق قرار گرفته است که هیچ آئین نامه جدید، اصلاحیه، تغییر متعارض یا ناسازگار با شروط این قرارداد و یا کنوانسیون که البته قابلیت اجرایی داشته باشد نیز صورت نگیرد (رستگار و بابایی، ۱۳۹۶، ۸۵).

ج- تثبیت قانون زمان قرارداد. برخی شروط، ثبات شرایط نظام قانون انتخاب شده به عنوان قانون حاکم بر قرارداد و به منظور جلوگیری از اعمال هر گونه تغییرات در آینده این سیستم را تثبیت می‌کنند (Fatouros, 1962, 74).

د- حفظ وضعیت اقتصادی در زمان انعقاد قرارداد. شروط ویژه جبران خسارت متعهد با دولت به منظور جبران ضررهایی که وارد شده به عنوان نتیجه قرارداد جهت هزینه‌های انجام شده توسط کشورهای متعهد که مستقیم یا غیرمستقیم ارائه می‌شود (Delaume, 1993, 174).

۵- شروط ثبات با محدودیت زمانی

در شروط ثبات با محدودیت زمانی نه تنها کاربرد مادی شرط، بلکه مدت زمان اعمال شرط ثبات نیز می‌تواند محدود شود.

۵-۱- محدودیت در مدت زمان پروژه سرمایه گذار

دولت‌های میزبان، حداقل در مذاکرات قرارداد سرمایه گذاری، این تقاضا را خواهند کرد که تثبیت قوانین دولت میزبان محدود به مدت زمان پروژه سرمایه گذاری باشد. لذا اگر دولت میزبان بر طبق قانون اساسی اجازه تصویب قوانین را بعد از به اتمام رساندن پروژه سرمایه گذاری و با تأثیر عطف به ما سبق شدن به زمان پروژه سرمایه گذاری تصویب نماید می‌توان مشکلاتی را در عمل مشاهده کرد. برای از بین بردن این خطر، از آغاز برای سرمایه گذار مفید خواهد بود که تغییرات قانونی عطف به ما سبق را از محدودیت زمانی حذف نماید و یا توافق به محدودیت زمانی صریح در شرط عدم تجانس نماید.

۵-۲- محدودیت در فازهای خاص پروژه سرمایه گذاری

اگر دولت میزبان پیش بینی شرط ثبات را مصرانه دنبال کند، این شرط به احتمال زیاد برای دولت میزبان در فازهای خاص کل پروژه سرمایه گذاری (فاز شروع و فازهای بازدهی و سود پروژه) جذاب تر خواهد بود. چنین شرطی تضمین جامع منافع در برابر تغییرات قانونی متعاقب را نمی‌نماید. به عنوان مثال به سختی می‌توان در زمان انعقاد قرارداد دولتی پیش بینی نمود که در چه دوره‌ای از زمان پروژه سرمایه گذاری، تثبیت قوانین ملی الزامی و یا غیرالزامی خواهند شد. چنین شرطی می‌تواند نشانگر نوعی رابطه برد-برد حداقلی در مذاکرات قرارداد دولتی باشد.

۶- قواعد شرط ثبات قرارداد در حقوق آمریکا

شروط ثبات در بسیاری از قراردادها به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند. نقش مهم شرط ثبات، حفظ تعادل و وضعیت موجود قرارداد با جلوگیری از تغییر قوانین و دستورالعمل‌ها بدون رضایت طرف دیگر قرارداد است.

در حقوق آمریکا برای نخستین بار موسسه حقوق آمریکا مجموعه اصول و قواعد حقوقی اول تعارض قوانین مصوب ۱۹۳۴ میلادی، را که حاوی مقرراتی درباره قانون حاکم بر تعهدات قراردادی بود، تدوین کرد. در پی آن، مجموعه اصول و قواعد حقوقی دوم تعارض قوانین مصوب ۱۹۷۱ میلادی، جایگزین نخستین مجموعه حقوق آن کشور شد. در مجموعه اصول و قواعد حقوقی دوم تعارض قوانین که به طور وسیعی در نظام تعارض قوانین آمریکا مورد متابعت قرار گرفته، آزادی انتخاب قانون توسط طرفین پیش-بینی شده است.

۶-۱- اختیار دولت در تغییر مفاد پروانه های بهره برداری از مخازن

اگر چه به موجب رژیم حقوقی حاکم در آمریکا منافع نفتی در مالکیت دولت نیست. اما با این حال باید گفته شود که در قوانین آمریکا اختیار دولت در خاتمه دادن به قراردادهای اداری امری مسلم است. اگر چه این موضوع در تعارض با حق مالکیت و حقوق ناشی از قرارداد است که در قانون اساسی آن مورد حمایت قرار گرفته اما اعمال این اختیار از سوی دولت شروط و الزاماتی دارد. به موجب حقوق آمریکا دولت مجاز نیست در قراردادهای خود شرط ثبات را منظور کند و حق تغییر یا فسخ را از خود سلب نماید (جنیدی، ۱۳۸۱، ۹۴).

۶-۲- پرونده شرکت نفت عربستان سعودی و شرکت نفت عربی-آمریکایی (آرامکو)

در سال ۱۹۴۵ میلادی، دولت عربستان سعودی قراردادی را با شرکت نفتکش های دریایی عربستان سعودی و مالک آن شرکت، آریستوتل اناسیس منعقد نمود که بر اساس آن، به شرکت حق تقدم نفت عربستان سعودی را برای مدت ۳۰ سال می داد. قرارداد اعطای امتیاز به شرح مذکور، با قرارداد شرکت نفت عربی-آمریکایی تعارض آشکار داشت. شرکت نفت عربی-آمریکایی ادعا کرد، قرارداد امتیاز نفتی در سال ۱۹۳۳ میلادی توسط عربستان سعودی اعطاء شده که به موجب آن، به شرکت عربی-آمریکایی حق انحصاری داده شده بود تا از منطقه امتیازی خود در عربستان سعودی، نفت استخراج و حمل نماید. به دلیل این تعارض، در سال ۱۹۵۵ میلادی دیوان داوری میان پادشاهی عربستان سعودی و شرکت نفت عربی-آمریکایی در ژنو بر اساس ارجاع به داوری موردی، اظهار داشت که شرط ثبات در قرارداد امتیاز شرکت عربی-آمریکایی وجود داشته است. دیوان رأی داد که به دلیل حاکمیت مطلق دولت در قلمرو سرزمینی، دولت دارای اختیار تضمین حقوق است و بر همین اساس می تواند خود را از انصراف از قرارداد پیش از انقضای دوران امتیاز، ممنوع نماید. در سال ۱۹۵۸ میلادی دیوان داوری با صدور رأی به نفع شرکت عربی-آمریکایی اظهار داشت که دولت عربستان بر توافق خویش با شرکت عربی-آمریکایی پایبند می باشد و بنابراین قرارداد شرکت اناسیس با قرارداد اخیر در تعارض است. این پرونده از آن جهت اهمیت دارد که پس از پرونده سافیر، اولین موردی است که اعتبار شروط ثبات به موجب حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است (رستگار و بابایی، ۱۳۹۶، ۹۲).

۳-۶- شروط انعقاد

ممکن است که ابهام یا نامعین بودن مفاد قرارداد با شروطی که سبب انعقاد می‌شود، خلط شده و اگر چه معلوم و معین بودن موضوع معامله از شروط صحت قرارداد است، از سایر شروط اعتبار قرارداد و نیز شروط مورد معامله تفکیک نشود. هدف انعقاد قرارداد، اجرای آن است و ابهام زدایی از قرارداد نیز در این جهت قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۶۰). لازم به ذکر است در حقوق انگلیس می‌گویند، اگر طرف‌های قرارداد بخواهند به سرعت خود را متعهد سازند، در حالی که بر سر برخی قیود و شروط قراردادی هنوز توافق نشده، قرارداد صحیح است، مگر آن که عدم تحصیل توافق در خصوص آن قیود و شروط، قرارداد را کاملاً غیرعملی سازد یا به خاطر عدم تعیین باطل نماید.

مفاد قرارداد می‌تواند کامل نباشد و طرف‌ها هنگام انعقاد، برخی از شرایط آن را نادیده انگارند؛ بی‌تردید قراردادی که مفاد آن نامعین است، ناقص و فاقد بسیاری از شروط است، ولی نمی‌توان گفت که هر قرارداد ناقص، مبهم است. برای همین احتیاج، در آمریکا از سال ۱۹۹۰ میلادی به بعد، مفهوم «قراردادهای ناتمام» از جمله مباحث داغ اقتصادی شده است. در بسیاری موارد، قرارداد ناتمام، همان قرارداد مبهم و در همه موارد، قرارداد مبهم، ناتمام است (Mulcahy, 2008, 212). توضیح این که، لزوماً قرارداد ناتمام به معنای مبهم بودن آن نیست؛ در اینجا، طرف‌ها عقده‌ای را منعقد نموده‌اند تا بعداً آن را کامل کنند و در حین تشکیل عقد، ابهامی در موضوع وجود ندارد.

۴-۶- تعهد تخییری

هر گاه مورد تعهدی معین شود و ضمن عقد، شرط شود که متعهد بتواند مال معین دیگری بدهد یا متعهدله مال دیگری را بخواهد، گفته‌اند این معامله صحیح است؛ زیرا در این جا تعهد نسبت به موضوع معین به عمل آمده و ضمن عقد شرط شده که بتوان آن را تسعیر نمود (مراغی، ۱۴۱۷، ۳۲۶). تعهد تخییری مبهم نیست؛ تعهد بر دو یا چند مال با اوصاف و بهای معین است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۶۰). در واقع، متعهد،

همزمان چند تعهد را می‌پذیرد و متعهدله مخیر است که اجرای هر یک از تعهدات معلوم، معین و قابل اجرا را بخواهد. خلط مفهوم ناشی از طرح چند تعهد در قالب یک قرارداد است.

۶-۵- غیر عملی شدن تجاری قرارداد^۱ در حقوق آمریکا

به موجب نظریه غیر عملی شدن تجاری قرارداد، مذکور در قسمت ۶۱۵-۲ قانون ۲ متحدالشکل تجاری آمریکا، تأثیر حوادث به گونه ای است که قرارداد در صورت اجرا، از لحاظ بازرگانی و اقتصادی، متفاوت با منظور طرفین خواهد شد. چنانچه تحولات اقتصادی و تغییر قیمت ارز و سایر دگرگونی‌ها قابل پیش بینی باشد و متعهد بتواند آنها را کنترل یا از آنها اجتناب کند، مجوز معافیت نخواهد بود. متقاضی معافیت باید اثبات کند که تحت شرایط حادث، به لحاظ دشواری غیرمتعارف، هزینه و خسارت گزاف، قادر به اجرای قرارداد نبوده تا مجوز اصلاح و انحلال قرارداد باشد (صادقی مقدم، ۱۳۷۹، ۲۲۴).

نتیجه گیری

در خصوص حق دولت در تغییر یا فسخ قرارداد می‌توان گفت، که این حق از حقوق مسلم دولت‌ها است و از جایگاه ویژه‌ای در قوانین کشورها، آراء داوری و در نزد علمای حقوق و به طور کلی حقوق بین الملل برخوردار است. هنگامی که دولت اقدام به فسخ قرارداد و سلب مالکیت از حقوق قراردادی تبعه بیگانه می‌نماید، عملی جز اعمال حاکمیت خود انجام نداده و این اصل یعنی اصل حق حاکمیت دولت‌ها یکی از اصول شناخته شده حقوق بین الملل است. نکته مهمی که این دولت‌ها باید به آن توجه کنند، این است که راه حل‌هایی جهت تعدیل در موضوعات و مسائل تحمیلی طرف‌های خصوصی قرارداد پیدا کنند.

شرط ثبات یا تثبیت، تدبیری است تضمینی و احتیاطی که در قراردادهای خصوصی درج می‌گردد و به موجب آن دولت‌ها ملزم می‌شوند تا از مداخله در تغییر یا فسخ قرارداد خودداری نمایند. شرط ثبات در قراردادهای سرمایه‌گذاری اصولاً به منظور مقابله و تقلیل ریسک سیاسی ابداع شده است. لازم به ذکر است که به تغییر سیاست‌های دولت سرمایه‌پذیر در اصطلاح ریسک سیاسی می‌گویند. شرط ثبات معمولاً در قراردادهای درازمدت در بخش منابع طبیعی در قرارداد سرمایه‌گذاری درج می‌شود. همچنین در قراردادهای سرمایه‌گذاری به این معنی است که طرف دولتی تعهد می‌کند تا قبل از پایان عمر قرارداد با تصویب قوانین و مقررات جدید، تعهدات خویش را در قرارداد دستخوش تغییر قرار ندهد. لذا از پژوهش حاضر این نتیجه کلی حاصل می‌شود که در قوانین آمریکا اختیار دولت در خاتمه دادن به قراردادهای اداری امری مسلم است. اگر چه این موضوع در تعارض با حق مالکیت و حقوق ناشی از قرارداد است که در قانون اساسی آن مورد حمایت قرار گرفته اما اعمال این اختیار از سوی دولت شروط و الزاماتی دارد، به موجب حقوق آمریکا دولت مجاز نیست در قراردادهای خود شرط ثبات را منظور کند و حق تغییر یا فسخ را از خود سلب نماید.

منابع

- پیران، حسین، ۱۳۸۶، **مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جعفری، علی؛ تلخایی، مجید، ۱۳۸۹، بررسی تطبیقی تعذر اجرای قرارداد(در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس)، **مجله معرفت**، شماره ۱۴۸.
- جنیدی، لعیه، ۱۳۸۱، **اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی**، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش.
- داکسبری، رابرت، ۱۳۷۷، **مروری بر حقوق قراردادهای در انگلستان**، ترجمه دکتر حسین میرمحمدصادقی، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان.
- رستگار، عباس؛ بابایی، داریوش، ۱۳۹۶، تبیین شرط ثبات در قراردادهای نفتی، **ماهنامه پژوهش ملل**، شماره ۲۰.
- صادقی مقدم، محمدحسن، ۱۳۷۹، **تغییر در شرایط قرارداد**، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، ۱۳۸۴، مفهوم، انواع و قواعد حاکم بر قراردادهای عمومی، **فصلنامه پژوهش های حقوقی**، سال چهارم، شماره ۷.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، **عقود معین**، معاملات معوض، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی حسینی، ۱۴۱۷ قمری، **العناوین الفقہیہ**، جلد دوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نیکبخت، حمیدرضا، ۱۳۸۴، مروری بر تنظیم قراردادهای دولتی در حقوق تجارت بین الملل، **مجله تخصصی الهیات و حقوق**، شماره ۱۵ و ۱۶.
- وستبرگ، جان ای، ۱۳۷۱، معاذیر قراردادی در معاملات تجاری بین المللی احکام صادره دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده آمریکا، ترجمه علی قاسمی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۴.

Mulcahy, Linda, 2008, London, Routledge, ed fifth, P n law Contract.-

-Nasser, Nagla, 1995, Sanctity of Contracts Revisited: A Study in the Theory and Practice of Long-Term International Commercial Transactions.

-fatouros, A. 1962, Government Guaranties to Foreign Investors. New York.

- Delaume, G.R, 1993, Enforcement of State Contract Awards; Jurisdictional Pitfalls and Remedies. ICSID Review foreign Investment Law Journal.Vol.8. No.1